

Research Paper

Trans-regional relations in the light of geo-economic perception: An assessment of China's energy diplomacy with Saudi Arabia

Masoumeh Salarvand^{*1} , Mohammadjavad Asgari² , Hossein Moin Abai³ 

¹ Master of Diplomacy and International Organizations shahid bahonar university. Email: Masom1991@gmail.com

² Master of State University of Management Moscow. Email: tahatehrani6@gmail.com

³ P.h.d Political Science shahid bahonar university. Email: Moeini@uk.ac.ir



10.22080/JPIR.2023.25644.1333

Received:

June 19, 2023

Accepted:

September 10, 2023

Available online:

February 10, 2024

Keywords:

Energy diplomacy, China, Saudi Arabia, interdependence, oil

Abstract

The accuracy of China's energy situation shows that, on the one hand, the energy demand in this country is increasing strongly due to its economic growth and development, and on the other hand, due to the lack of domestic resources, the country's dependence on international resources. International is increasing. For this reason, the expansion of interaction with energy producing countries such as Saudi Arabia can provide the basis for mutual dependence. In fact, as the first major oil exporter in the world, Saudi Arabia has a high position not only in China's energy diplomacy, but also for all major and developed powers. The current research is trying to analyze and examine the position of Saudi Arabia in China's energy diplomacy. The findings of the research indicate that China attaches special importance to Saudi Arabia for several reasons: First, Saudi Arabia has been a reliable partner for customers. Second, Saudi Arabia is considered the largest exporter of oil. On the other hand, this country has the largest economy in the Arab countries, and finally, it is a very influential member of OPEC. The research method in this research is descriptive-analytical, and library and internet sources were used to collect information, and according to the topic, the official statistics of OPEC, British Petroleum and the Saudi Monetary Fund will be used.

***Corresponding Author:** Masoumeh Salarvand

Address: shahid bahonar university

Email: Masom1991@gmail.com

Tel: 06643220629

علمی

روابط فرامنطقه‌های در پرتو ادراک ژئواکونومی: ارزیابی دیپلماسی انرژی چین با عربستان سعودی

معصومه سالاروند*^۱ ID، محمدجواد عسگری^۲ ID، حسین معین آبادی^۳ ID

^۱ کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین المللی، دانشگاه شهید باهنر. ایمیل: Masom1991@gmail.com
^۲ کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه دولتی مدیریت مسکو. ایمیل: tahatehrani6@gmail.com
^۳ دکترای علوم سیاسی، دانشگاه شهید باهنر. ایمیل: Moeyini@uk.ac.ir

doi 10.22080/JPIR.2023.25644.1333

چکیده

دقت در وضعیت انرژی چین نشان می‌دهد که از یک سو تقاضای انرژی در این کشور به تبع رشد و توسعه اقتصادی آن به شدت در حال افزایش است و از دیگرسو به دلیل کمبود منابع داخلی، وابستگی این کشور به منابع بینالمللی در حال افزایش است. به همین خاطر گسترش تعامل با کشورهای تولیدکننده انرژی مانند عربستان، میتواند زمینه را به سوی وابستگی متقابل فراهم آورد. درواقع عربستان به عنوان نخستین صادرکننده عمده نفت در جهان، نه تنها در دیپلماسی انرژی چین، بلکه برای همه قدرتهای بزرگ از جایگاهی والا برخوردار است. پژوهش حاضر درصدد است به واکاوی و بررسی جایگاه عربستان سعودی در دیپلماسی انرژی چین بپردازد. یافتههای پژوهش حاکی از این است که چین به چند علت برای عربستان اهمیت ویژه‌ای قائل است: نخست اینکه عربستان شریکی قابل اعتماد برای مشتریان بوده است. دوم اینکه عربستان بزرگترین صادرکننده نفت تلقی میگردد. از سوی دیگر، این کشور بزرگترین اقتصاد کشورهای عربی را داراست و اینکه عضو بسیار تأثیرگذار در اوپک است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و برای جمعآوری اطلاعات از منابع کتابخانهای و اینترنتی استفاده شده است و به فراخور موضوع از آمارهای رسمی سازمان اوپک، بریتیش پترولیوم و صندوق پولی عربستان استفاده خواهد شد.

تاریخ دریافت:

۲۹ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش:

۱۹ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ انتشار:

۲۱ بهمن ۱۴۰۲

کلیدواژه‌ها:

چین؛ دیپلماسی انرژی؛ عربستان سعودی؛ نفت؛ وابستگی متقابل.

* نویسنده مسئول: معصومه سالاروند

آدرس: دانشگاه شهید باهنر

ایمیل: Masom1991@gmail.com

تلفن: ۰۶۶۴۳۲۲۰۶۲۹

۱ مقدمه

نفت جهان است، از جایگاهی ویژه در دیپلماسی انرژی چین برخوردار است.

۲ پیشینه پژوهش

پیرامون جایگاه عربستان سعودی در دیپلماسی انرژی چین پژوهش جامعی در ایران صورت نگرفته است و آثار منتشر شده در این زمینه هریک به ابعدی از این موضوع اشاره می‌کنند. در ذیل مهم‌ترین آثاری که در حوزه موضوع پژوهش حاضر به تحریر درآمده است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مقاله "اهداف و ابعاد دیپلماسی انرژی چین" به قلم مسعود موسوی شغایی و گلابی دارابی (۱۳۹۰)، تصریح می‌کند که با توجه به وابستگی روزافزون کشورها به انرژی و تأثیرگذاری این مهم بر اولویت‌بندی اهداف سیاست خارجی کشورها، چین نیز با توجه به رشد بالای اقتصادی و مصرف روزافزون انرژی، تلاش‌های عمده‌ای در این زمینه انجام داده، آن گونه که متغیر انرژی به عنوان یکی از عوامل اصلی جهت‌دهنده سیاست خارجی این کشور محسوب شده است. در این مقاله به نگرانی‌های عمده چین در حوزه انرژی پرداخته شده که این کشور با استفاده از ابزار دیپلماسی انرژی در خاورمیانه، آسیای مرکزی، آفریقا و امریکای لاتین نگرانی عمده خود را در خصوص امنیت انرژی مرتفع ساخته است.

اسکوبل و نادر در مقاله "چین در خاورمیانه" (۲۰۱۶) پژوهش مبسوطی را درباره سیاست انرژی چین با توجه به روابط با دو کشور ایران و عربستان انجام داده‌اند. آن‌ها بر این باورند که به دلیل افزایش وابستگی انرژی و اقتصادی چین به منطقه، این کشور ممکن است نقش امنیتی بیشتری را در منطقه خاورمیانه ایفا کند.

"ابتکار یک کمربند یک راه، نهادگرایی و دیپلماسی انرژی چین" نوشته بهنام وکیلی و دیگران (۱۳۹۸)، به بررسی و تحلیل نقش، محتوا و اهمیت تدارکات نهادی چین و شناسایی برخی پیامدهای آن بر دیپلماسی انرژی این کشور در راستای تسهیل

وابستگی روزافزون کشورها به منابع انرژی، باعث تقویت جایگاه امنیت انرژی در عرصه سیاسی و دیپلماتیک شده و رقابت‌های بین‌المللی را بر سر دسترسی به این منابع تشدید کرده است. امروزه کشورها با بهره‌مندی از دیپلماسی انرژی تلاش می‌کنند تا حد امکان بدون استفاده از زور، منافع و امنیت انرژی خود را در این عرصه تأمین کنند. دسترسی به منابع انرژی نه تنها همچنان دغدغه واردکنندگان قدیمی این کالا است، بلکه به مسأله مهمی برای کشورهای تازه وارد شده به جرگه مصرف‌کنندگان عمده انرژی، مانند چین با رشد اقتصادی چشمگیر نیز بدل شده است.

با شروع اصلاحات در چین و آزادسازی گسترده در اقتصاد این کشور، فرآیند صنعتی شدن این کشور رشد چشمگیری داشت که خود موجب افزایش نیاز چین به انرژی شد. به‌گونه‌ای که این کشور، اکنون یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای در حال رشد دنیا را از آن خود کرده است. در طول دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، چین یکی از کشورهای صادرکننده نفت محسوب می‌شد؛ اما در سال ۱۹۹۳، این کشور تبدیل به یک واردکننده نفت شده و رشد اقتصادی این کشور وابسته به نفت خارجی گردید و در حال حاضر چین بزرگترین مصرف‌کننده انرژی در جهان است (فتاحی و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۲). در همین راستا، یکی از مناطقی که در سال‌های اخیر در سیاست خارجی چین مورد بازتعریف قرار گرفته، منطقه خلیج فارس است. این منطقه و کشورهای واقع در آن به دلیل داشتن بیشترین ذخایر انرژی، طبعاً از بالاترین قابلیت‌ها در تأمین امنیت انرژی چین و پاسخ‌گویی به نیاز استراتژی این کشور برخوردارند. چینی‌ها با درک این موضوع در سال‌های اخیر، تلاش‌های وسیعی برای ارتقای روابط با کشورهای نفتی این منطقه به‌ویژه کشورهای اصلی من جمله عربستان سعودی انجام داده‌اند تا در پرتو آن بتوانند سهم خود را از ذخایر این منطقه هرچه بیشتر افزایش دهند. عربستان با توجه به اینکه بزرگ‌ترین تولیدکننده

تفاوت پژوهش حاضر با کارهای انجام شده قبلی در چند مورد است که به صورت خلاصه ذکر می‌شود:

الف) بررسی شاخص‌های دیپلماسی انرژی چین نسبت به عربستان سعودی؛

ب) بررسی جایگاه عربستان در سیاست‌های نفتی چین براساس نظریه وابستگی متقابل.

۳ چارچوب نظری: وابستگی متقابل

در اواخر دهه ۱۹۶۰ نظریه "وابستگی متقابل" با تأکید بر اینکه دیگر جوامع مانند گذشته از هم جدا نیستند و تجارت جهانی آن‌ها را به هم پیوند زده، معتقد است که وابستگی ملت‌ها به هم باعث شده تا دیگر سود یکی به معنای زیان دیگری نباشد و سود و زیان‌ها جنبه متقابل بیابند. این نظریه، معتقد به پرهزینه بودن جنگ است و اینکه کارکرد مثبت ندارد. البته این به معنای فقدان رویداد آن نیست و درست است که دولت-ملت معنای سنتی خود را از دست داده ولی هم‌چنان پابرجا هستند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۹-۳۸).

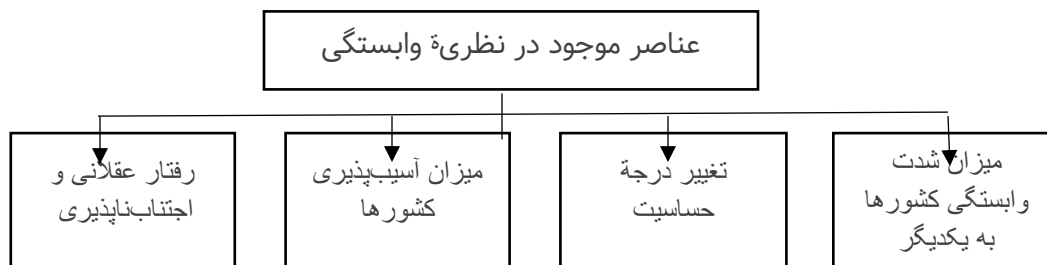
در میان چهره‌های سرشناس نظریه وابستگی متقابل، کوهن و جوزف نای از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. این دو در اواخر دهه ۷۰ تلاش کردند تا تئوری کلانی را تحت عنوان وابستگی متقابل پیچیده پدید آورند (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۳: ۱۵۳). کوهن و جوزف نای از حالت انتخابی و داوطلبانه بودن همکاری در نظریه همگرایی عبور می‌کنند و می‌گویند اگر دو موجود وابسته از هم جدا شوند، نابود می‌شوند. به عبارت دیگر نظریه وابستگی متقابل بر این باور است که همکاری بین جوامع اجتناب‌ناپذیر است و این همکاری به صورت داوطلبانه و انتخابی نیست، بلکه دولت‌ها مجبورند با یکدیگر همکاری داشته باشند (سلامی، ۱۳۹۹: ۹۶).

روند و وابستگی متقابل اقتصادی و ارائه چشم-اندازی از اهداف بلندپروازانه پکن در بخش انرژی می‌پردازد و درصدد پاسخ به این پرسش است که رژیم‌سازی بین‌المللی جدید چین در چارچوب ابتکار «یک کمربند یک راه» چگونه در راستای اهداف دیپلماسی انرژی این کشور قرار گرفته است؟

لیندسی هیوز در مقاله "چین در خاورمیانه: فاکتور ایران" (۲۰۱۸) معتقد است چین به دلایل مختلف به دنبال توسعه روابط خود با کشورهای خاورمیانه است. این دلایل شامل نیاز پکن به ایمن-سازی واردات انرژی خود، امن‌ساختن صادرات چین در مسیرهایی که از خاورمیانه عبور می‌کنند و در بلندمدت افزایش نفوذ منطقه‌ای این کشور است تا بدین طریق خود را جایگزین ایالات متحده در منطقه نماید.

علیرضا سلطانی و دیگران در پژوهشی تحت عنوان "جایگاه انرژی در سیاست خاورمیانه‌ای چین" (۱۳۹۰) درصدد تبیین این مسأله هستند که نیاز شدیداً رو به افزایش چین به انرژی و لزوم تأمین آن از منابع خارجی، موضوع امنیت انرژی را به مسأله‌ای حیاتی برای این کشور تبدیل نموده است. در این راستا گسترش تعامل با کشورهای دارنده انرژی که عمدتاً در خاورمیانه و خلیج فارس واقع شده‌اند، می‌تواند زمینه را به سوی وابستگی متقابل فراهم آورد. به طوری که کشورهای خاورمیانه قادرند "امنیت انرژی" را به عنوان دغدغه استراتژیک چین برطرف نمایند.

مجید بزرگمهری و مریم میرزایی در مقاله "حضور چین در خلیج فارس؛ پیامدهای سیاسی و استراتژیک (۱۳۹۶)، می‌کوشند ضمن تحلیل شرایط توسعه اقتصادی چین و نیاز روزافزون اقتصاد و صنعت این کشور به منابع نفتی، رویکرد سیاست خارجی آن را در قبال مسائل خلیج فارس ارزیابی کنند. پرسش محوری این پژوهش، به چگونگی سیاست چین در خلیج فارس می‌پردازد و در این راستا، روند حضور این قدرت فرامنطقه‌ای در این حوزه استراتژیک انرژی بررسی می‌شود.



دولت‌های ملی به تدبیر امور فراملی مشغول هستند. نتیجه این تعدد بازیگران در عرصه جهانی آن است که برخلاف گذشته، روابط بسیار گسترش می‌یابند و حوزه‌های موضوعی روابط بین‌الملل نیز متنوع می‌شوند (سیف‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۱۸). در حال حاضر یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که می‌تواند شاهد شکل‌گیری این نوع رابطه باشد، مسأله تأمین انرژی است. وابستگی به انرژی و رشد مقیاس تجاری انرژی نیازمند همکاری مداوم میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان جهت تضمین امنیت زنجیره عرضه است. از این‌رو وابستگی متقابل به کالاهای استراتژیکی نظیر نفت و گاز، مانع ایجاد چالش‌های امنیتی بین کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده خواهد شد (آدمی، ۱۳۸۹: ۱۲).

بر مبنای مباحث ارائه‌شده می‌توان گفت که میان منطقه خلیج فارس و شرق و جنوب آسیا به‌خصوص عربستان به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده و چین به عنوان دومین مصرف‌کننده نوعی وابستگی متقابل در حال شکل‌گیری است. عربستان قادر است «امنیت انرژی» را به عنوان دغدغه‌ای استراتژیک برای چین تأمین کند و از دیگر سو چین نیز قادر است به برخی نیازهای استراتژیک عربستان در حوزه‌های توسعه و امنیت پاسخ گوید. تحت این شرایط به نظر می‌رسد زمینه‌های بسیار مناسبی برای آغاز یک دیالوگ سازنده با هدف استقرار یک الگوی وابستگی متقابل با محوریت انرژی وجود دارد.

تعاریف متعددی از وابستگی متقابل شکل گرفته است که در این جا به چند مورد اشاره می‌شود. نای و کوهن در تعریف این نظریه اشاره می‌کنند وابستگی متقابل به وضعیتی اطلاق می‌شود که نیروهای خارجی آن را تأمین می‌کنند، یا تا حد زیادی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ریچارد روز کرانس و دیگران در تعریف وابستگی متقابل، آن را به نوعی پیوند می‌دانند، وابستگی متقابل را می‌توان نوعی پیوند مستقیم و مثبت منافع دولت‌ها در موردی تعریف کرد که تغییر در موقعیت یک دولت، جایگاه سایرین را به همان جهت تغییر می‌دهد. ریچارد کوپر، وابستگی متقابل را نه به عنوان متقابل بودن وابستگی، بلکه به عنوان درک متقابل تعدیل تعریف می‌کند و در این چارچوب، ناخواسته به وابستگی کمتر قدرت‌های بزرگ امروز در قیاس با قدرت‌های بزرگ پیشین اشاره می‌کند (والس، ۱۳۹۴: ۱۹۹). دقیق‌ترین تعریف از سوی والتز بیان شده است، وی می‌گوید وابستگی متقابل شامل رابطه‌ای می‌شود که گسست آن هزینه زیادی را به دنبال دارد. این تعریف از دو جهت حائز اهمیت است: نخست اینکه یک نوع رابطه مثبت میان واحدهای وابسته را مفروض قرار می‌دهد. دوم اینکه در رابطه‌ای که یکی از بازیگران آن تحت تأثیر فعالیت‌های دیگران قرار می‌گیرد، اگر این تأثیر هزینه‌بر نباشد، نمی‌توان بدان وابستگی متقابل را اطلاق کرد (وحیدی راد، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

عصاره نظریه وابستگی متقابل این است و نقش انحصاری دولت‌ها در مبادلات بین‌المللی و فراملی به شدت کاهش یافته و بازیگران جدیدی در کنار

۴ دیپلماسی انرژی چین

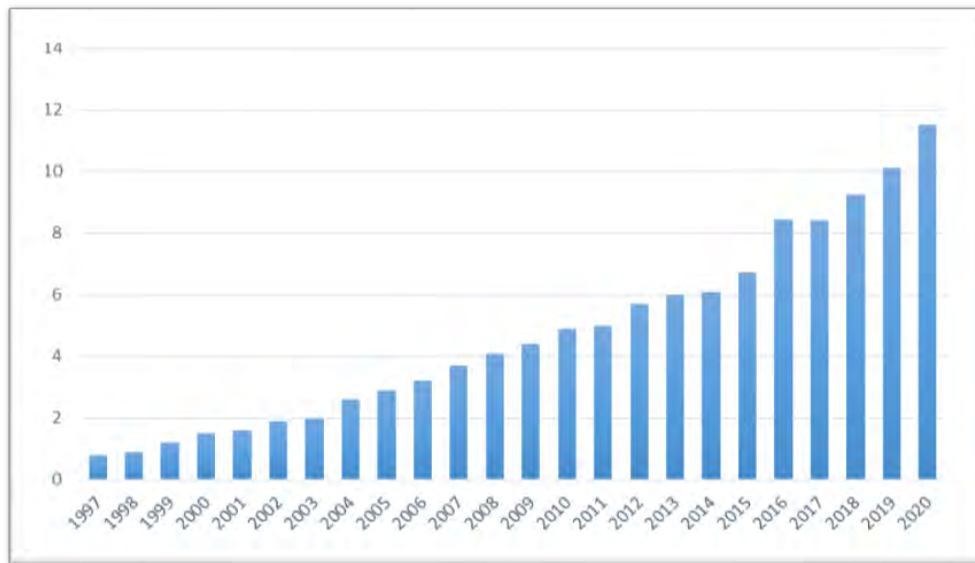
انرژی اکنون کالایی استراتژیک محسوب می‌شود که بر چگونگی و کیفیت زندگی بشر بسیار تأثیرگذار است. شمار فراوانی از جنگ‌ها و تنش‌ها در بین کشورها طی قرن گذشته بر سر تصاحب یا کنترل این ماده حیاتی رخ داده است. انرژی هم بر سر سیاست و هم بر سر اقتصاد کشورها مؤثر است؛ زیرا باعث تقویت اقتصادها و به تبع آن افزایش قدرت ملی و در نتیجه قدرت سیاسی یک کشور در عرصه بین‌المللی می‌شود. اختلاف بر سر منابع انرژی در شرایطی که پایان عصر نفت نزدیک‌تر می‌شود؛ احتمال وقوع نبرد بر سر انرژی را افزایش داده است. همه کشورها، چه تولیدکننده و چه مصرف‌کننده، نسبت به این ماده حیاتی آسیب‌پذیر هستند. مصرف‌کنندگان، نگران تأمین امنیت عرضه‌اند، درحالی‌که تولیدکنندگان امنیت فروش انرژی را برای اقتصادشان ضروری می‌دانند. در این شرایط هرگونه اختلال در حوزه انرژی می‌تواند آسیب‌های بسیار جدی به اقتصاد به هم پیوسته جهانی وارد ساخته و صحنه را برای جنگ آماده کند (موسوی شغائی و دارابی، ۱۳۹۰: ۶۲).

امروزه نفت، جنگ، دیپلماسی، اقتصاد و سیاست در یک محور قرار دارند و دارای ارتباط و پیوندی ناگسستنی هستند؛ بنابراین اهمیت نفت و گاز در سبب انرژی و جایگاه انرژی در اقتصاد جهان موجب تعامل گسترده میان دو عرصه سیاست و انرژی شده است و بسیاری از رقابت‌ها و همکاری‌های بین‌المللی را تحت تأثیر خود قرار داده است. در عصر حاضر با توجه به اهمیت انرژی و جایگاه آن در اقتصاد و سیاست بین‌الملل، این مقوله نیز به حوزه دیپلماسی وارد شده و در کانون سیاست خارجی کشورها تحت عنوان دیپلماسی انرژی قرار گرفته است. دیپلماسی انرژی به عنوان روشی دیپلماتیک برای استفاده از انرژی (ذخایر یا

مسیرهای انرژی) به منظور به حداکثر رساندن منافع مرتبط با آن در روابط دوجانبه، چندجانبه، منطقه‌ای و جهانی تعریف می‌شود (Uludag Karagul and Baba, 2013: 102). هم‌چنین دیپلماسی انرژی «برنامه‌ای است راهبردی، جامع و کارآمد که تعاملات بین‌المللی در حوزه انرژی را برای یک کشور مدون نموده و چهارچوب کلی توافقات را روشن می‌سازد». از آنجاکه توافق پیرامون موضوع انرژی میان دو طرف «صادرکننده» و «واردکننده» شکل می‌گیرد، این برنامه برای کشورهای صادرکننده انرژی راهبردهای استفاده از ابزار انرژی در جهت تأمین اهداف دیپلماتیک را فراهم می‌آورد و در مقابل برای کشورهای واردکننده، راهبردهای دیپلماتیک لازم برای ایجاد امنیت پایدار انرژی را روشن می‌سازد (سالاروند، ۱۳۹۴: ۲۳). به‌طور کلی دیپلماسی انرژی هر کشور به ایجاد فرصت‌های تعامل بین‌المللی در جهت حداکثرسازی منافع ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک کمک کرده و تلاش می‌کند با تکیه بر ابزار انرژی، در جهت کاهش تهدیدات بین‌المللی گام بردارد. از آنجاکه نیاز به انرژی بسترهای لازم برای انعقاد معاهدات، پیمان‌ها و روابط بین‌المللی را فراهم می‌کند، دیپلماسی انرژی برنامه‌ای رقابتی است که می‌تواند شرایط لازم را برای کسب حداکثر منافع ملی در روابط بین‌المللی مبتنی بر انرژی برای هر کشور فراهم کند (کی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

از میان کشورهای مصرف‌کننده می‌توان به چین اشاره کرد. چین از قدرت‌هایی است که در بازار انرژی جهان به صورت وزنه‌ای تأثیرگذار ظاهر شده است. علت عمده این امر، رشد بالای اقتصاد چین و تبدیل شدن آن به دومین قدرت اقتصادی دنیاست. رشد سریع اقتصادی چین، این کشور را در اوایل دهه ۱۹۹۰ با وجود تولید قابل توجه نفت به واردکننده این ماده تبدیل کرد (میرترابی و اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۱۳۱). به گونه‌ای که در سال ۲۰۲۰ روزانه حدود ۱۱٫۵ میلیون بشکه نفت وارد کرده است.

نمودار ۱. واردات نفت خام چین از ۱۹۹۷ تا ۲۰۲۰ (میلیون بشکه در روز)



Source: wayne M.Morrison, "China Economic Conditios". Specialist in Asian Trade and Finance, Congressional Research Service (December2012) p26

در پروژه‌های بالادستی خلیج فارس، آفریقا، آسیای مرکزی، آسیای جنوب شرقی، اقیانوسیه و آمریکای شمالی و جنوبی فعالیت دارند (حاجی میرزایی و پاکدامن، ۱۳۸۵: ۵۲).

در این میان خاورمیانه به دلیل ذخایر بالای انرژی، یکی از مناطقی است که به شدت در کانون توجه چینی‌ها است. خاورمیانه با داشتن بیش از ۶۰ درصد نفت جهان، از موقعیتی انحصاری برخوردار است و متوسط عمر ذخایر کشورهای خاورمیانه چیزی در حدود ۷۰ سال می‌باشد. بنابراین آینده بازار نفت جهان در این منطقه قرار دارد. علاوه بر این چینی‌ها از نظر تاریخی، سیاسی و فرهنگی تضادی با کشورهای این منطقه ندارند و با توجه به نزدیکی جغرافیایی، خاورمیانه را تنها منطقه‌ای می‌دانند که آینده نفت جهان در آن جا قرار دارد (سلیمی و رحمتی پور، ۱۳۹۳: ۱۳۷). در این راستا، دولت چین در سال ۲۰۱۶، نخستین مقاله سیاست عربی خود را منتشر کرد که سیاست و برنامه چین را برای گسترش روابط با کشورهای مختلف این منطقه معرفی می‌کند (Li and Yuwen, 2016: 26). در بین

با توجه به نقش انرژی در روند رشد و توسعه اقتصادی چین، تعقیب دیپلماسی انرژی در متن سیاست خارجی این کشور جهت دستیابی به انرژی مطمئن، ارزان و فراوان قرار دارد (Yusheng Goa, 2008: 257). چین از جمله کشورهای فعال در زمینه طراحی و اجرای دیپلماسی انرژی محسوب می‌شود. واعظی در همین رابطه می‌گوید: «عملکرد چین کمونیست نشان آشکاری از تلاش دیپلماتیک این کشور برای تأمین امنیت انرژی است. این کشور با به‌کارگیری دیپلماسی انرژی، در پی افزایش ضریب امنیت نفتی خود از طریق تشدید فعالیت‌های دیپلماتیک است (واعظی، ۱۳۸۶: ۳۲). دیپلماسی انرژی چین مبتنی بر دستیابی به منابع انرژی، سرمایه‌داری و انعقاد قراردادهای بلندمدت در بخش‌های بالادستی و پایین‌دستی کشورهای تولیدکننده انرژی است و مناطق عمده نفت‌خیز جهان به عرصه حضور شرکت‌های چینی برای تولید و اکتشاف تبدیل شده‌اند. چینی‌ها کوشش‌های گسترده‌ای جهت سرمایه‌گذاری در کشف و استخراج منابع انرژی در نقاط مختلف دنیا انجام داده‌اند و شرکت‌های چینی

زمانی نسبتاً کوتاه افزایش دهد. به همین دلیل است که عربستان در ثبات بازارهای نفتی همواره نقشی حیاتی داشته است. این نقش حیاتی در دهه گذشته با بالا رفتن احتمال افزایش تقاضا در آینده آن هم درحالی که دیگر آمیدی به افزایش تولید نبود، برجسته تر از پیش شد (متقی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۴).

چین به چند علت برای عربستان اهمیت ویژه‌ای قایل است: نخست اینکه عربستان به صورت تاریخی، شریکی قابل اعتماد برای مشتریان بوده است. دوم اینکه عربستان بزرگ‌ترین صادرکننده نفت تلقی می‌گردد. این کشور قادر است روزانه ۱۰ میلیون بشکه نفت صادر کند و حدود یک چهارم از ذخایر نفتی جهان در عربستان است (BP Statistical Review of World Energy, 2020:6). از سوی دیگر، این کشور بزرگ‌ترین اقتصاد کشورهای عربی را داراست و حتی یکی از اعضای گروه ۲۰ بوده و در نهایت اینکه عضو بسیار تأثیرگذار در اوپک است (بزرگمهری و میرزایی، ۱۳۹۶: ۱۷).

روابط چین و عربستان براساس نظریه وابستگی متقابل در دهه ۱۹۹۰ برقرار شد. در سال ۱۹۹۳ برای نخستین بار شروع به واردات نفت از عربستان کرد و در سال ۱۹۹۹ با امضای توافقنامه همکاری راهبردی نفتی به وسیله «جیانگ زمین»^۱ به اوج خود رسید که بر مبنای آن عربستان بازارهای خود را برای سرمایه‌گذاری باز گذاشت. در سال ۲۰۰۲ عربستان در رأس کشورهای صادرکننده نفت به چین قرار گرفت (Lu, Yetiv, 2007:205). سال ۲۰۰۶ نقطه عطف این روابط بود؛ زیرا رئیس جمهور «هو جینتاو»^۲ سفری به عربستان داشت و توافق‌نامه‌ای پیرامون همکاری‌های انرژی و امنیتی بین دو طرف امضا شد و پادشاه عربستان نیز متقابلاً از پکن بازدید کرد (Al-Tamimi, 2012:4). در سال ۲۰۱۴، «شی جین پینگ»^۳ در دیدار با شاهزاده سلمان بن عبدالعزیز، اظهار داشت: «هر دو طرف باید همکاری

کشورهای خاورمیانه، چین بیشترین حجم مبادلات تجاری را با عربستان سعودی دارد. برقراری روابط ویژه با عربستان، از مؤلفه‌های اصلی دیپلماسی چین جهت دسترسی به منابع نفتی خلیج فارس است.

۵ جایگاه عربستان در دیپلماسی انرژی چین

عربستان سعودی یکی از بازیگران جهانی نفت و گاز است که دارای تأثیرگذاری قابل توجه در عرصه انرژی است و در حال حاضر نقش بی‌بدیلی را در بازار جهانی نفت ایفا می‌کند. عربستان از پشتوانه متمیزی از ذخایر انرژی برخوردار است و به واسطه برخورداری از حجم عظیم ذخایر نفت جهان و ثروت فراوان ناشی از تولید و صدور آن، توانسته است نفوذ سیاسی زیادی به دست آورد (سالاروند، ۱۳۹۴: ۷۸). عربستان با ۲۵۷/۱ میلیارد بشکه و ۲۳۸/۸ تریلیون فوت مکعب گاز، یکی از عمده‌ترین تولید و صادرکنندگان انرژی جهان شناخته شده است (www.saudiaramco.com).

درواقع عربستان به عنوان نخستین صادرکننده عمده نفت در جهان نه تنها در دیپلماسی انرژی چین، بلکه برای همه قدرت‌های بزرگ و توسعه‌یافته از جایگاهی والا برخوردار است. با توجه به تأثیر سیاست نفتی عربستان سعودی در بازارهای جهانی نفت، این امکان برای قدرت‌های بزرگ وجود دارد که با برقراری روابط نزدیک با عربستان سعودی، بازار نفت جهان را کنترل کنند (یزدانی و اکبری، ۱۳۹۱: ۳۲۶). در گزارشی به نوشته «الهشام آخونبای» آمده است: بازار نفت سال‌ها است که زیر سلطه عربستان است؛ چراکه دارای قابلیت تولید و صادرات حجم گسترده‌ای از نفت خام، این محصول ارزشمند تجاری جهان است. نقش عربستان به واسطه قابلیتش در تولید مازاد بر نیاز پرننگ‌تر نیز می‌شود، قابلیت‌هایی که می‌تواند در دوران سخت بازار، به عنوان یک ضربه‌گیر استراتژیک عمل کند و تولید را در

³ Xi Jinping

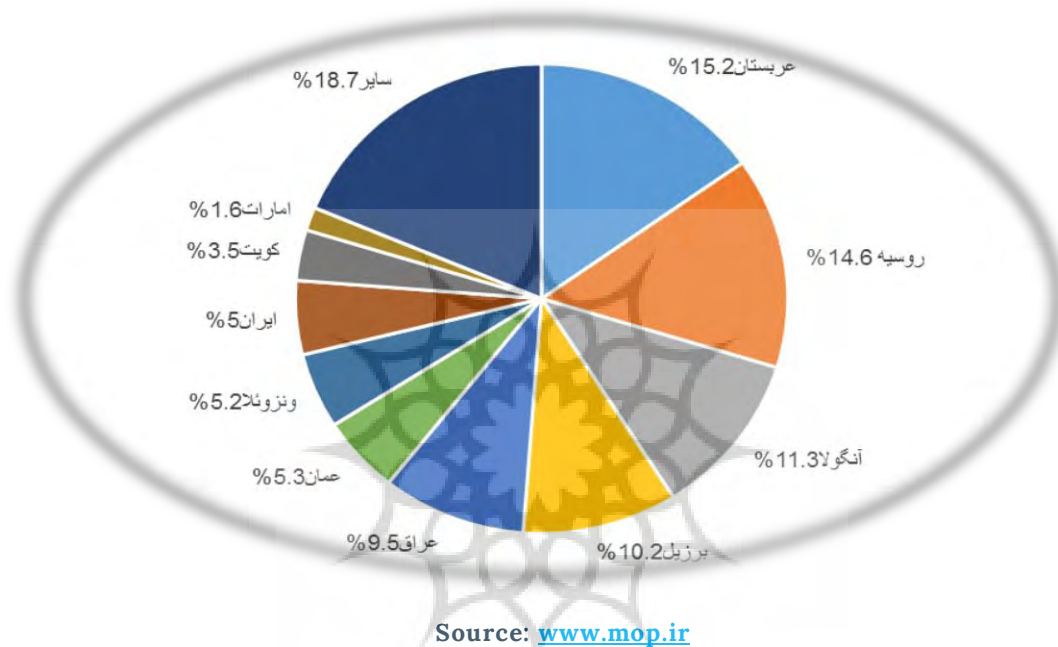
¹ Jiang Zemin

² Hu Jintao

مهم‌ترین تأمین‌کننده نفت چین مبدل شد که طبق آخرین گزارش وبسایت رسمی کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در سال ۲۰۲۰ عربستان بزرگ‌ترین صادرکننده نفت به چین است و پکن تقریباً ۱۵/۲ درصد واردات نفت خود را از عربستان تأمین می‌کند (www.opec.org).

انرژی را یک ستون دانسته و شراکت در هوافضا و انرژی‌های نوین را برای ایجاد روابط نزدیک‌تر گسترش دهند» (Tizze, 2014). از این زمان تاکنون، روابط دو کشور با سرعت بالایی رو به گسترش نهاد و چین برای نفت وابستگی بیش از پیش به عربستان پیدا کرده است، به گونه‌ای که عربستان به

نمودار ۲. سهم کشورهای مختلف از صادرات نفت به چین سال ۲۰۲۰



از طرف دیگر، عربستان نگاه به شرق را در سیاست-های آینده خود پیش‌بینی کرده است و چین از جمله اعضای اصلی این رویکرد است (Al-Tamimi, 2012: 2-3). عربستان که به دلیل افزایش تولید نفت شیل بخشی از بازار خود را از دست داده است، سعی دارد که با افزایش صادرات به شرق آسیا سهم خود را در بازارهای آسیایی گسترش دهد. در واقع کاهش خرید نفت از سوی ایالات متحده و اروپا، عربستان را به تغییر استراتژی در بازار نفت مجبور کرده است (سالاروند، ۱۳۹۴: ۱۱۶). سعودی‌ها از سوئی برای فروش نفت خام توجه خود را به چین، دومین مصرف‌کننده نفت جهان معطوف کرده‌اند و بارها به پکن اطمینان خاطر داده‌اند- در بالاترین

سطلوح و مشخصاً طی دیدار هو جینتائو از ریاض در سال ۲۰۰۹- که چین برای تأمین عرضه پیوسته نفت خام می‌تواند بر روی پادشاهی سعودی حساب کند و از سوی دیگر، این کشور در حال تغییر استراتژی از خام فروشی به صادرات بیشتر فرآورده است (Downs, 2011: 62-63).

همکاری انرژی چین-عربستان فقط محدود به بخش نفت نیست؛ بلکه در سایر بخش‌ها مانند پالایش، گاز طبیعی و انرژی هسته‌ای هم رو به افزایش است و تجارت و سرمایه‌گذاری دوجانبه هم روندی صعودی را تجربه می‌کند.

۶ شاخص‌های دیپلماسی انرژی چین نسبت به عربستان

۶٫۱ تضمین دسترسی به منابع انرژی مطمئن، ارزان و فراوان

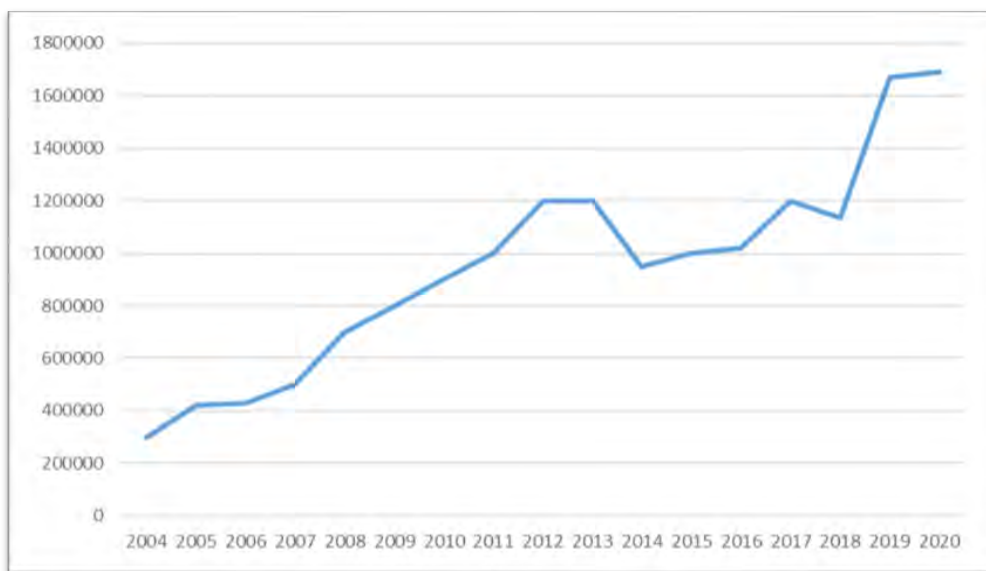
از آنجایی که چین یکی از بازارهای بزرگ مصرف‌کننده و عربستان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی در جهان است و صنعت نفت عربستان دارای مزیت‌هایی همچون هزینه پایین تولید، دسترسی به دریای آزاد، حجم عظیمی از ذخایر نفتی، ظرفیت مازاد تولید نفت و امنیت و ثبات نسبی نسبت به کشورهای منطقه است (باگت، ۱۳۸۵: ۲۴۷). چین یک بازار قابل اتکا برای عربستان و عربستان نیز یک تأمین‌کننده قابل اتکا برای چین محسوب می‌شود. در واقع پکن، ریاض را به عنوان یک شریک تجاری به تهران ترجیح می‌دهد؛ زیرا عربستان ستیزه‌جویی کمتری داشته و با توجه به ظرفیت مازاد تولید، صادرکننده نفتی قابل اعتمادتری است. بخش تحلیل نفتی اداره اطلاعات انرژی آمریکا اعلام کرده است که ظرفیت کنونی تولید نفت عربستان ۱۲ میلیون بشکه در روز است و امکان تولید روزانه ۱۵ میلیون بشکه در روز نیز وجود دارد. این میزان

ظرفیت تولید اضافی، بدین معناست که در صورت خارج شدن یک تولیدکننده بزرگ از بازار نفت و یا کاهش تولید آن به منظور افزایش بهای نفت، عربستان قادر خواهد بود کمبود ایجاد شده در بازار را مرتفع کند. چین از این فرصت برای بالا بردن امنیت انرژی وارداتی و تأمین ذخیره استراتژیک انرژی استفاده می‌کند.

گزارش یکی از خبرگزاری‌های داخلی و رسمی چین که در سال ۲۰۰۶ منتشر شد، ارزش عربستان در نگاه چین را اجمالاً بیان می‌کند: «عربستان سعودی یک تأمین‌کننده نفتی بسیار خوب و قابل اعتماد است. مانند نیجریه نیست که آن قدر عوامل بی‌ثبات‌کننده دارد که عرضه نفت آن دست‌خوش نوسان‌های شدید می‌شود. با ایران و عراق هم شباهتی ندارد که عرضه نفتشان تحت تأثیر اوضاع سیاسی بی‌ثبات قرار می‌گیرد» (Tongxunshu, 2008: 33). به عبارت دیگر چین دست دوستی به سوی دولتی دراز می‌کند که اولاً امنیت صادرات نفت را دچار مخاطره نکند، ثانیاً امکان واردات نفت را به میزان مورد نیاز آن کشور داشته باشد. عربستان آماده ایفای نقش مزبور بوده و هست (Keefer Douglas, 2007).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار ۳. میزان صادرات نفت عربستان به چین (میلیون بشکه در روز)



Source: www.resourcedata.org

نگرش محافظه‌کارانه خود به خارجی‌ها اجازه می‌دهد تا ذخایر نفتی را رزرو کنند. در سال ۲۰۰۴ پادشاه عربستان اقدام به بستن قرارداد گازی با کشورهای دیگر نمود؛ در این راستا درهای خود را برای شروع مجدد اکتشاف گاز و سرمایه‌گذاری چین باز کرد. شرکت سینوپک چین که دومین شرکت نفتی بزرگ این کشور به شمار می‌رود، در زمینه اکتشاف نفت و گاز در صحرای عربستان شروع به فعالیت کرد. سینوپک سال قبل موفق شد قراردادی مبنی بر اکتشاف گاز در عربستان سعودی را به دست آورد. فعالیت‌های اکتشافی کنونی "سینوپک" در منطقه‌ای به وسعت ۴۰ هزار کیلومتر مربع واقع در "ربع الخالی"، در چارچوب این قرارداد، قرار دارد.

۶،۳ تقویت سرمایه‌گذاری و همکاری دوجانبه در ساخت پالایشگاه و فرآورده‌های نفتی

چین به دنبال استفاده از نفوذ بین‌المللی خود با هدف مدیریت دیپلماسی فعال انرژی و توسعه وابستگی متقابل در حوزه انرژی از طریق اجازه سرمایه‌گذاری به کشورهای خاورمیانه به‌خصوص

۶،۲ سرمایه‌گذاری در بخش اکتشاف و تولید انرژی

از اواخر دهه ۱۹۹۰ که میزان وابستگی چین به نفت وارداتی افزایش یافت، فعالیت‌های اکتشافی و توسعه بین‌المللی به یکی از برنامه‌های اصلی چین تبدیل شد. به همین دلیل دولت و شرکت‌های نفتی چین با هدف افزایش امنیت انرژی وارداتی، گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با تمامی کشورهای عمده تولیدکننده انرژی را در اولویت خود قرار داده‌اند. این شرکت‌ها با حمایت دولت چین در تمامی کشورهای عمده تولیدکننده نفت فعال هستند و به آن‌ها در تمامی زمینه‌ها از شناسایی ذخایر گرفته تا استخراج کمک می‌نمایند.

ضمن اینکه این شرکت‌ها به دلیل حمایت‌های دولت می‌توانند چشم‌انداز بلندمدت‌تری را در نظر گیرند و در نتیجه رویکرد انعطاف‌پذیرتری در بستن قراردادهای نفتی با کشورهای خاورمیانه داشته باشند. در همین ارتباط می‌توان سرمایه‌گذاری چین در صنعت نفت و گاز عربستان را به منظور واردات انرژی از این کشور بیان کرد. عربستان سعودی با

✓ ساخت چند کارخانه اتیلن در دالیان واقع در شمال شرق چین.

نتیجه‌گیری

دیپلماسی انرژی شدیداً دولت‌محور و سودگرایانه چین بر مبنای دیدگاه مشترک سیاست‌گذاران دولتی و شرکت‌های نفتی دولتی چین شکل می‌گیرد و از طریق روابط دیپلماتیک در چارچوب سیاست خارجی این کشور با هدف تأمین امنیت انرژی به اجرا درمی‌آید. با بررسی دیپلماسی انرژی این کشور می‌توان گفت که هم‌اکنون نوعی وابستگی متقابل میان چین و تولیدکنندگان انرژی در حال شکل‌گیری است. این کشور اکنون جز عمده‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی در جهان به شمار می‌رود. رشد اقتصادی بالای چین در سال‌های اخیر، نیازش به انرژی را افزایش داده و امنیت در دستیابی به انرژی را به عنوان چشم‌اسفندیار این کشور مطرح ساخته است. به همین دلیل چین سعی کرده است در تمامی نقاط نفت‌خیز جهان خصوصاً در کشورهایمانند عربستان حضور داشته باشد. از این رو دیپلماسی انرژی چین روابط تجاری گسترده‌ای با عربستان برقرار ساخته است، به گونه‌ای که عربستان به مهم‌ترین تأمین‌کننده نفت چین مبدل شد. تضمین دسترسی به منابع انرژی مطمئن، ارزان و فراوان، سرمایه‌گذاری در بخش اکتشاف و تولید انرژی و تقویت سرمایه‌گذاری و همکاری دوجانبه در ساخت پالایشگاه و فرآورده‌های نفتی از جمله دلایل اهمیت عربستان برای چین می‌باشد.

عربستان در صنایع پالایشی خود بوده است. به نظر می‌رسد چین تا حدی کنترل مطلق شرکت‌های نفتی دولتی بر بخش انرژی را کاهش داده و اجازه می‌دهد شرکت‌های خارجی نظیر شرکت آرامکو در بخش نفت و انرژی آن کشور سرمایه‌گذاری کنند. در ذیل به برخی از این سرمایه‌گذاری‌ها اشاره می‌شود:

✓ احداث پالایشگاه در گوانژو به وسیله عربستان با هزینه‌ای بالغ بر ۸ میلیارد دلار؛

✓ مشارکت شرکت سعودی آرامکو در دو پروژه پالایشگاه فوجیان^۱ با سرمایه‌گذاری ۳/۵ میلیارد دلار و پالایشگاه چینگ دائو^۲ با سرمایه‌گذاری ۱/۲ میلیارد دلار (مصلی‌نژاد و حق‌شناس، ۱۳۹۱: ۱۹۵)؛

✓ ساخت یک پالایشگاه در شمال شرق چین به ارزش ۵/۲ میلیارد دلار توسط شرکت صنایع شیمیایی عربستان (سابیک)^۳؛

✓ مشارکت در احداث پالایشگاه در کائوفیدیان^۴ در نزدیکی تیان جین^۵ جهت فرآوری نفت خام عربستان و سرمایه‌گذاری در پالایشگاه آنینگ^۶ در استان یون نان^۷ محصور در خشکی برای فرآوری نفت خام سعودی (Energy Information Administration, 2008:33)؛

✓ تأمین بودجه ساخت دو پالایشگاه در تیان جین و چونگ کینگ^۸ توسط شرکت سابیک عربستان؛

⁵ Tianjin

⁶ Anning

⁷ Yonnan

⁸ Chungking

¹ Fujian

² Qingdao

³ Saudi Basic Industries Corp (SABIC)

⁴ Caofeida

منابع

- سلطانی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۰)، «جایگاه انرژی در سیاست خارجی چین»، *فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین الملل*، شماره ۳: ۲۲۹-۱۹۷.

- سلیمی، حسین و رحمتی پور، لیلا (۱۳۹۳)، «بررسی مقایسه‌ای استراتژی انرژی چین و ایالات متحده آمریکا و تأثیر آن بر جایگاه خلیج فارس»، *فصلنامه راهبردی سیاست*، سال ۳، شماره ۱۱: ۱۶۰-۱۲۹.

- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۶)، *نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌المللی فرد-جهانی*، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- فتاحی، شهرام و دیگران (۱۳۹۹)، «مناسبات سیاسی-اقتصادی چین و آمریکا در بازی بزرگ قرن»، *دو فصلنامه سیاست و روابط بین الملل*، سال ۳، شماره ۵: ۲۹-۴۹.

- کی‌پور، جواد (۱۳۸۸)، «دیپلماسی انرژی و لزوم استفاده از آن برای تأمین منافع ملی ایران در جهان»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال ۱، شماره ۴: ۱۶۲-۱۴۰.

- متقی، ابراهیم و دیگران (۱۳۹۵)، «نقش منابع و اقتصاد انرژی در گسترش رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره نخست، شماره ۲۰: ۳۵-۱۵.

- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات سمت.

- مصلی‌نژاد، عباس و حق‌شناس، محمدرضا (۱۳۹۱)، «جایگاه چین در اقتصاد انرژی خلیج فارس (با تمرکز بر جمهوری اسلامی ایران)»، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، سال ۸، شماره ۱: ۲۰۸-۱۷۳.

- موسوی شفقانی، مسعود و دارابی، گلتاب (۱۳۹۰)، «اهداف و ابعاد دیپلماسی انرژی چین»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال ۳، شماره ۴: ۸۰-۵۳.

- میرترابی، سعید و اسماعیلی، مصطفی (۱۳۹۱)، «بررسی و رتبه‌بندی بزرگ‌ترین بازیگران بازار نفت جهان»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال ۱۹، شماره ۳: ۱۴۴-۱۳۳.

- آدمی، علی (۱۳۸۹)، «تأثیر انرژی بر گسترش همکاری‌های ایران با شبه قاره (با تأکید بر خط لوله صلح)»، *فصلنامه مطالعات شبه قاره*، سال ۲، شماره ۳: ۷-۲۸.

- اسکوبل، اندرو و نادر، علیرضا (۲۰۱۶)، «چین در خاورمیانه»، *مجموعه مقالات چین: استراتژی‌های آینده چین*، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری: ۲۴۶-۱۵۳.

- باگت، گاودات (۱۳۸۵)، «ژئوپولیتیک جدید نفت ایالات متحده آمریکا، روسیه و عربستان»، ترجمه زهرا پیشگامی‌فرد، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۴۰: ۲۵۲-۲۳۳.

- بزرگمهری، مجید و میرزایی، مریم (۱۳۹۶)، «حضور چین در خلیج فارس؛ پیامدهای سیاسی و استراتژیک»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌الملل*، شماره ۳۱: ۱-۳۰.

- پاک‌دامن، جعفر و حاجی میرزایی، محمدعلی (۱۳۸۵)، «بررسی تحولات و تجربیات شرکت‌های ملی نفت و استراتژی آنان (۱۳۸۵)»، با تمرکز بر شرکت ملی نفت چین؛ (CNPC, Sinopec, CNOOC)، *پژوهشکده اقتصاد انرژی*.

- جکسون، رابرت و سورنسون، گئورگ (۱۳۸۳)، *درآمدی بر روابط بین‌الملل*، ترجمه مهدی ذاکریان و دیگران، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- سالاروند، معصومه (۱۳۹۴)، «مقایسه دیپلماسی انرژی ج. ا. ایران و عربستان سعودی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت و گاز (۲۰۱۳-۲۰۰۱)»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

- سلامی، مهدی (۱۳۹۹)، «بررسی تأثیر متغیر اقتصاد نوین بین‌الملل، براساس نظریه وابستگی متقابل»، *مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی*، سال ۲، شماره ۱۹: ۱-۱۳.

- وکیلی، بهنام و دیگران (۱۳۹۸)، «ابتکار یک کمربند یک راه، نهادگرایی و دیپلماسی انرژی چین»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، شماره ۴۱: ۷۰-۸۹.

- هیوز، لیندسی (۱۳۹۸)، *چین در خاورمیانه: فاکتور ایران*، ترجمه فرشته کندی و سمیرا غلامزاده، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.

- یزدانی، عنایت‌الله و اکبریان، علیرضا (۱۳۹۱)، «انرژی و روابط چین با خلیج فارس»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۲: ۳۳۴-۳۱۵.

- واعظی، محمود (۱۳۸۶)، «الگوی آسیایی امنیت انرژی: مسیری برای همکاری»، *فصلنامه پژوهش*، شماره ۴۳: ۱۵-۳۲.

- والتس، کنث ن (۱۳۹۴)، *نظریه سیاست بین‌الملل*، ترجمه روح‌اله طالبی آرانی، تهران: نشر مخاطب.

- وحیدی راد، میکائیل (۱۳۹۲)، «نظریه وابستگی متقابل و کاربست آن در تاریخ معاصر ایران»، *فصلنامه خردنامه*، شماره ۱۰: ۹۹-۱۱۴.



- Al-Tamimi, Naser, (2012), **China-Saudi Arabia Relations: Economic Partnership or Strategic Alliance?** Durham University Library, United Kingdom
- Downs, Erica, (2011), "China-Gulf Energy Relations CHINA AND THE PERSIAN GULF. Implications for the United States", Edited by **Bryce Wakefield and Susan L. Levenstein Woodrow Wilson International Center for Scholars**, Washington, D.C.
- Energy Information Administration, 2008 inception in 24/8/2014 -BP Statistical Review of World Energy, 2008
- International Energy Agency (IEA) (2020), World Energy Outlook 2006 (Paris Printing Office, 2020), p. 38.
- Keefer, Douglas, John & Matthew B. Nelson, Kevin L. Schwartz, (2007), **Rising in the Gulf: How China's Energy Demands Are Transforming the Middle East**, Al Nakhlah, The Fletcher School Journal for issues related to Southwest Asia and Islamic Civilization Spring 2007
- Li, X., and Yuwen, Z, (۲۰۱۶), **The Future of China's Diplomacy in the Middle East**, Retrieved from The Diplomat, Available Online at: <http://thediplomat.com>
the-future-of-chinas-diplomacy-in-the-middle-east/wayne M.Morrison, "China Economic Conditios". Specialist in Asian Trade and Finance, Congressional Research Service (December 2012) p26
- Tiezzi, Shannon, "Chinese Nationals Evacuate Yemen on PLA Navy Frigate," **The Diplomat**, March 30, 2015.
- The information in this paragraph comes from the following sources: Calabrese, 2005; Kemp, 2010, pp. 81-84; **U.S. Energy Information Administration**, "Country Analysis Brief: China," Washington, D.C., February 4, 2014; Alterman and Garver, 2008, p. 33.
- Yusheng Goa, H.E. (2008), **China, India and the United States Competition for Energy Resources**, The Emirates Center for Strategic Studies and Research (ECSSR),
- [www.saudi.aramco.com/en/home/htmlinsption in 17/5/2015](http://www.saudi.aramco.com/en/home/htmlinsption%20in%2017%2F5%2F2015)
- <http://www.nioc.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object=NewsD9e924973-4302-40ce-8976-fc2ffa360615&LayoutID=caffb005-7022-4586>
- www.bp.com/en/home/html
- <https://www.nioc.ir/portal/home/?news/100193/100206/40986>
- <https://www.resourcedata.org/dataset/rgi-petroleum-statistics-saudi-arabia-ministry-of-petroleum-and-mineral-resources>
- <https://www.mop.ir/portal/home/?news/337415/337426/352983>